



## بررسی کتاب



*Social Research Methods*/ Written by Alan Bryman.

Oxford: Oxford University Press, 2008, 748 p.

روش‌های پژوهش اجتماعی / نویسنده: آلن برایمن. آکسفورد:

انتشارات دانشگاه آکسفورد، ۲۰۰۸، ۷۴۸ ص.

در سال‌های اخیر، کتاب‌های متعدد در زمینه روش تحقیق در داخل و خارج از کشور به چاپ رسیده که کتاب «روش‌های پژوهش اجتماعی» نوشته «آلن برایمن» از آن جمله است. در حال حاضر، آلن برایمن رئیس گروه مدیریت دانشگاه لستر در انگلستان است؛ او تألیفات دیگری نیز در مورد روش‌های کمی و کاربرد SPSS در علوم اجتماعی دارد که کتاب حاضر در مقایسه با آنها دارای حجم و جزئیات بیشتر است.

نگارنده به دو دلیل بر آن شد که علی‌رغم نامربوط بودن ظاهری این کتاب با چارچوب موضوعی فصلنامه روستا و توسعه، به معرفی آن بپردازد:

یکی آنکه با مروری بر مقالات ارائه‌شده در این فصلنامه و سایر مجلات علمی و پژوهشی داخل کشور، می‌توان دریافت که با وجود تلاش‌های گسترده در زمینه معرفی و کاربرد روش‌های تحقیق در کشور، هنوز هم بسیاری از پژوهشگران جوان با این مفاهیم آشنایی کامل ندارند و در کاربرد آنها و به‌ویژه روش‌های کیفی، با مشکلاتی مواجه‌اند. از این‌رو، آشنایی با منابع متفاوت و مطالعه آنها به زبان اصلی ضروری است.

دیگر آنکه به‌رغم وجود تعداد چشمگیر منابع ارزشمند در زمینه روش تحقیق به زبان فارسی در داخل کشور، کمتر کتابی می‌توان یافت که هر دو روش کمی و کیفی و چگونگی ترکیب آنها را ارائه کرده باشد.

گذشته از این دو دلیل، کتاب «روش‌های پژوهش اجتماعی» علاوه بر غنای محتوایی - که به اعتقاد نگارنده، آن را به نوعی کتاب مرجع تبدیل کرده - دارای جذابیت‌هایی صوری است که از جمله می‌توان به زبان ساده و روان آن اشاره کرد؛ همچنین، طراحی زیبا، رنگی بودن صفحات کتاب و کیفیت مناسب آن و نیز ارجاعات مکرر نویسنده به منابع اینترنتی کتاب را بسیار خواندنی‌تر کرده است.

موضوعات این کتاب مشابه سایر کتاب‌های روش‌شناسی است؛ به همین دلیل، در بررسی حاضر، بیشتر بر قسمت‌هایی از کتاب تأکید شده که دست‌کم از دید نگارنده، دارای مباحث جدید است.

کتاب مشتمل بر چهار بخش کلی است و هر بخش به فصل‌های متفاوت تقسیم شده است.

بخش اول شامل پنج فصل است: فصل اول به معرفی کلی روش‌های تحقیق می‌پردازد و در آن، موضوعاتی مانند تعریف نظریه، نظریه‌های استنتاجی یا قیاسی، و ملاحظات معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی مورد بررسی قرار گرفته و مقدمه‌ای کلی درباره روش‌های کمی و کیفی مطرح شده است.

در فصل دوم، به طرح تحقیق و چارچوب‌های متفاوت مورد استفاده در جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، مفاهیمی مانند اعتبار، تکرار و روایی، و نیز انواع طرح‌های تحقیقاتی مانند طرح‌های آزمایشی، مقطعی، طولی، و مطالعه موردی و تطبیقی پرداخته شده است. فصل سوم به برنامه‌ریزی تحقیق و تدوین پرسش‌های تحقیق اختصاص دارد. تدوین سؤالات مناسب از اقدامات مهم پژوهشی است که باید هر تحقیق بدان بپردازد. سؤالات تحقیق راهنمای پژوهشگر در انجام تحقیق است و به او کمک می‌کند تا

دریابد که باید چه داده‌هایی و چگونه جمع‌آوری شود. در این بخش، چگونگی تأثیر نظریات بر پرسش‌های تحقیق نیز بررسی می‌شود.

در فصل چهارم، نویسنده بررسی متون را از گام‌های بسیار مهم در پژوهش می‌داند و به معرفی «مرور نظام‌مند» می‌پردازد. شاید این مفهوم برای خوانندگان ایرانی چندان آشنا نباشد؛ این رویکرد از جهاتی مشابه فراتحلیل است و البته تفاوت‌هایی هم با آن دارد. البته ذکر این نکته مهم است که در منابع موجود در زمینه روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، به استثنای کتاب روش تحقیق لارنس نویمن<sup>(۱)</sup> با عنوان «مبانی پژوهش‌های اجتماعی: رویکردهای کمی و کیفی» (Neuman, 2005)، به ندرت می‌توان کتابی را یافت که به مرور نظام‌مند و فراتحلیل پرداخته باشد. در کتاب‌های داخلی، گرچه مطالعاتی متفاوت در زمینه فراتحلیل را شاهد بوده‌ایم، اما کمتر کتابی را می‌توان یافت که بخشی از آن به مرور نظام‌مند و یا به‌طور کلی، به چگونگی مرور منابع اختصاص یافته باشد. مرور نظام‌مند که در سال‌های اخیر، بسیار مورد توجه قرار گرفته، رویکردی برای بررسی متون تحقیقاتی است. به زعم نویسنده کتاب، بررسی متون به روش سنتی اغلب فاقد دقت کافی است. طرفداران مرور نظام‌مند بر این باورند که با تعیین رویه‌های مشخص و معین در بررسی متون، از خطا پرهیز می‌شود. مرور نظام‌مند فرایندی شفاف، علمی و قابل اعتماد است و خود به دو دسته تقسیم می‌شود: مروری که تنها شامل مطالعات کمی باشد، فراتحلیل خوانده می‌شود؛ و در آن دسته از مرورهایی که مطالعات کیفی را در بر می‌گیرد، از قوم‌نگاری کیفی استفاده می‌شود. یکی از مشکلات اساسی علوم اجتماعی در زمینه مرور نظام‌مند - که کاربرد آن را در این حوزه و به‌ویژه در جامعه‌شناسی دشوار می‌سازد - پیچیدگی در اغلب سؤالات تحقیق و نیز وجود رویکردهای نظری متفاوت برای پاسخ‌گویی به یک سؤال است، در حالی که در حوزه‌هایی مانند پزشکی یا سیاست اجتماعی، اجماع بیشتری وجود دارد و در نتیجه، قابلیت کاربرد مرور نظام‌مند برای پرسش‌های مطرح‌شده بیشتر است. با این همه، می‌توان کاربردهایی از این رویکرد در جامعه‌شناسی را نیز جست که به همین دلیل، نویسنده به تشریح مراحل انجام آن پرداخته است.

فصل پنجم، با عنوان «اخلاق و سیاست در پژوهش‌های اجتماعی»، به مباحثی چون اصول اخلاقی پژوهش، تفکیک مباحث اخلاقی از مبحث کیفیت پژوهش، دشواری‌های تصمیم‌گیری اخلاقی، و ابعاد سیاسی فرایند پژوهش می‌پردازد.

بخش دوم، با محوریت تحقیقات کمی، فصول ششم تا پانزدهم کتاب را در بر می‌گیرد. فصل ششم به ماهیت تحقیقات کمی اختصاص دارد و با زبانی ساده و با ذکر مثال، به بحث در مورد مفاهیم و سنجش آنها، معرف‌ها، ابعاد معرف‌ها، روایی، و پایایی می‌پردازد؛ در این فصل، انتقادات وارد شده به روش‌های کمی و از آن جمله دیدگاه ایستای آنها به جهانی که سرشار از پویایی و تحرک است، بررسی می‌شود.

در فصل هفتم با عنوان «نمونه‌گیری»، نویسنده با زبانی ساده به اصول، مبانی، و معرفی مراحل مختلف پیمایش اجتماعی می‌پردازد و بر نمونه‌گیری تأکید می‌کند؛ همچنین، واژه‌ها و مفاهیم اصلی مرتبط با نمونه‌گیری معرفی می‌شوند و انواع نمونه‌گیری مورد بررسی قرار می‌گیرد. علاوه بر نمونه‌گیری احتمالی، نمونه‌گیری غیراحتمالی، و مبحث تعمیم و محدودیت‌های آن از دیگر عناوین این فصل است.

فصل هشتم، در ادامه مبحث پیشین، به پیمایش اجتماعی و «مصاحبه ساختاریافته» می‌پردازد. در این فصل، چگونگی انجام مصاحبه ساختاریافته به مثابه یکی از اشکال مصاحبه در پیمایش و نیز مسائل مربوط بدان بررسی شده است.

فصل نهم به بررسی طراحی پرسشنامه‌هایی می‌پردازد که خود فرد تکمیل می‌کند. در این فصل، این نوع پرسشنامه در مقایسه با پرسشنامه‌های ساختاریافته ارزیابی شده و مزایا، معایب و ویژگی‌های آن مورد بحث قرار گرفته است. همچنین، فصل نهم نگاهی به یادداشت‌های روزانه<sup>(۲)</sup> دارد. نویسنده یادداشت‌های روزانه را شکلی از پرسشنامه می‌داند که به کمک آن نیز می‌توان

به جمع‌آوری داده‌ها پرداخت. پژوهشگرانی که برای جمع‌آوری داده‌ها، این روش را به کار می‌برند، ساختاری برای یادداشت روزانه تعیین می‌کنند و از پاسخ‌گویان می‌خواهند که آن را تکمیل کنند. این روش هم در مطالعات کمی و هم کیفی کاربرد دارد. ممکن است یادداشت‌های روزانه ساختار از پیش تعیین شده نداشته باشند و فرد خود به نگارش آنها پردازد؛ این روش بیشتر مورد استفاده تاریخ‌دانان است.

فصل دهم به مبحث پرسش‌ها می‌پردازد و در آن، مسائلی همچون پرسش‌های باز و بسته، آزمون پرسش‌ها، و امکان استفاده از پرسش‌های به کار رفته در تحقیقات پیشین مطرح می‌شود.

در فصل یازدهم با عنوان «مشاهده ساختاریافته»، این نوع مشاهده به مثابه روشی برای مشاهده نظام‌مند رفتار انسانی معرفی شده است. در این روش، پژوهشگر از قوانین منظم برای مشاهده و ثبت رفتار استفاده می‌کند. از مزایای این روش نسبت به تحقیق پیمایشی امکان مشاهده رفتار به‌طور مستقیم است. دیگر مباحث این فصل عبارت‌اند از مشکلات پژوهش پیمایشی، انواع پژوهش‌های مشاهده‌ای، نمونه‌گیری، و نیز بحث در مورد پایایی و روایی در این روش.

فصل دوازدهم به تحلیل محتوا اختصاص یافته و در آن، موضوعات زیر مورد توجه نویسنده بوده است: چه نوع سؤالاتی را می‌توان با این روش پاسخ گفت؟؛ چگونه باید به نمونه‌گیری از اسناد مورد مطالعه پرداخت؟؛ چه ویژگی‌هایی باید در یک سند لحاظ شود؟؛ و چگونه کدگذاری انجام می‌شود؟؛ در نهایت، مزایا و معایب این روش نیز بررسی می‌شود. همچنین، همانند دیگر قسمت‌ها، نمونه‌هایی نیز ارائه شده است تا به خواننده برای درک بهتر مطالب کمک شود.

در فصل سیزدهم که به تحلیل ثانویه و آمار رسمی اختصاص یافته، مزیت‌ها و معایب این روش بررسی شده است. چگونگی دسترسی به داده‌ها و روایی و پایایی آنها از دیگر نکات مورد بررسی در این فصل است.

فصل چهاردهم به تحلیل داده‌های کمی اختصاص دارد و در آن، روش‌های گوناگون تحلیل داده‌های کمی بررسی می‌شود. مطالب این فصل به‌ویژه برای دانشجویان سودمند خواهد بود، زیرا بخشی از یک تحقیق را مطرح می‌کند که سؤالات تحقیق، نمونه‌ای از یک پرسشنامه کدگذاری و پردازش شده، و نمونه‌ای از داده‌های وارد شده در نرم‌افزار SPSS را شامل می‌شود. معرفی انواع متغیرها و چگونگی شناسایی آنها، تحلیل‌های تک‌متغیره و دو متغیره، تمایز میان همبستگی و روابط علی، و نیز بررسی آزمون‌های مرتبط به زبانی بسیار ساده و بدون پیچیدگی‌های آماری از دیگر مباحث این فصل به‌شمار می‌روند.

فصل پانزدهم به معرفی یکی از مهم‌ترین نرم‌افزارهای پژوهش اجتماعی یا همان نرم‌افزار SPSS می‌پردازد و از این رهگذر، گذشته از معرفی برخی فرامین مهم با نمایش نمودارهای رنگی، به دانشجویان مبتدی در استفاده از این نرم‌افزار بسیار کمک خواهد کرد. با مطالب ارائه‌شده در این فصل، بخش دوم کتاب و مبحث پژوهش‌های کمی پایان می‌یابد.

بخش سوم، شامل هشت فصل، به تحقیقات کیفی اختصاص یافته و سرآغاز آن، فصل شانزدهم، معرفی پژوهش کیفی است. بنا به تعریف نویسنده، تحقیق کیفی نوعی راهبرد پژوهشی است که به بررسی واژه‌ها می‌پردازد و قیاسی، و تفسیرگراست. مسائل مورد بحث در این فصل عبارت‌اند از: گام‌های اساسی در تحقیق کیفی کدام‌اند؟ در تحقیقات کیفی، چه ارتباطی میان نظریه و تحقیق وجود دارد؟ ماهیت مفاهیم در تحقیق کیفی چیست و چه تفاوتی با مفاهیم در تحقیق کمی دارد؟ آیا روایی و پایایی معیارهایی مناسب برای تحقیق کیفی‌اند؟ و سرانجام اینکه آیا نیاز به معیارهای جایگزین وجود دارد؟

در ادامه، فصل هفدهم به مردم‌نگاری و مشاهده مشارکتی می‌پردازد و در آن، مباحثی جدید مطرح شده که مردم‌نگاری دیداری از آن جمله است. نویسنده بر این باور است که گرچه در آغاز قرن بیستم نیز استفاده از عکس در تحقیقات مردم‌نگاری و

جامعه‌شناختی جای داشته، اما در آغاز جنگ جهانی اول، از این شیوه کمتر استفاده شده است؛ البته در دههٔ اخیر، بار دیگر گرایش‌هایی در این زمینه به چشم می‌خورد. نویسندگان به ذکر تحقیقی می‌پردازد که با استفاده از این روش، در مورد بی‌خانمان‌ها انجام شده است؛ همچنین، مردم‌نگاری فمینیستی<sup>(۳)</sup> را مطرح می‌کند که در آن، زندگی و فعالیت‌های زنان در کانون توجه قرار می‌گیرد، و زنان از دیدگاه خود زنان بررسی می‌شوند.

در فصل هجدهم با عنوان «مصاحبه در پژوهش کیفی»، نویسندگان بر این باور است که مصاحبه در تحقیق کیفی با مصاحبه در تحقیق کمی تفاوت دارد. یکی از انواع مصاحبه‌های کیفی روش بحث متمرکز گروهی<sup>(۴)</sup> است. در این روش مشارکت‌کنندگان متفاوتی به غیر از تسهیلگر وجود دارند و تأکید سؤالات بر موضوعی خاص و تعریف شده، تعامل بین گروه، و ساخت معنایی مشترک است. همچنین، در این فصل، مصاحبه بدون ساختار و شبه‌ساختاری هم معرفی شده است. روش تاریخچه زندگی نیز از دیگر روش‌های مصاحبه مورد بحث در این فصل به‌شمار می‌رود.

با توجه به اهمیت روش بحث گروهی متمرکز، فصل نوزدهم به‌طور کامل بدین مبحث اختصاص یافته و در آن، مسائلی چون چگونگی انجام این روش، تعداد گروه‌ها، ثبت مطالب، و انتخاب مشارکت‌کنندگان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

فصل بیستم به بررسی زبان در تحقیقات اجتماعی اختصاص یافته که در این رابطه، دو رویکرد حائز اهمیت است: تحلیل گفتگو و تحلیل گفتمان. برای پژوهشگران در هر دو رویکرد، زبان موضوعی به‌خودی خود جالب است و تنها منبعی نیست که از طریق آن، محققان با مشارکت‌کنندگان ارتباط برقرار می‌کنند. محقق به ارائه تعاریفی در مورد هر دو مفهوم می‌پردازد. یکی از مباحث جالب توجه در این فصل تحلیل انتقادی از گفتمان جهانی‌سازی است که در ارتباط با مفهوم تحلیل انتقادی گفتمان مطرح شده است.

فصل بیست و یکم به اسناد اختصاص یافته که در قالب منبعی برای داده‌ها مطرح شده است. به عقیده نویسنده، سه رویکرد برای تحلیل اسناد وجود دارد که عبارت‌اند از: تحلیل کیفی محتوا، نشانه‌شناسی، و تأویل<sup>(۵)</sup>.

سرانجام، در فصل‌های بیست و دوم و بیست و سوم روش‌های تحلیل داده‌های کیفی مورد بحث قرار گرفته و نرم‌افزار Nvivo معرفی شده است.

بخش چهارم شامل چهار فصل است. آغازگر بخش پایانی کتاب فصل بیست و چهارم است؛ در این فصل، بحثی مطرح می‌شود که در سه دهه گذشته، توجه اندیشمندان را در دو حوزه تحقیقات کمی و کیفی به خود معطوف داشته است. فصل‌های بیست و چهارم و بیست و پنجم خواننده را به تفکر در مورد تمایز دعوت می‌کند که در حال حاضر، میان تحقیق کمی و کیفی وجود دارد. نویسنده می‌کوشد روش‌هایی را معرفی کند که بر اساس آن، می‌توان یافته‌های به دست آمده از دو روش را با هم ترکیب کرد.

فصل بیست و ششم در مورد استفاده از اینترنت، چه به صورت یک روش برای جمع‌آوری داده‌ها، و چه در قالب یک موضوع است.

فصل بیست و هفتم پیرامون گزارش نویسی و دربردارنده نمونه‌هایی است که از رهگذر آن، نحوه نگارش گزارش‌های کمی و کیفی نشان داده شده و روش ترکیب این دو نوع از تحقیق مورد بحث و بررسی قرار گرفته است؛ همچنین، بخش‌های متفاوت هر گزارش مانند مقدمه، مرور متون، روش‌های تحقیق، نتایج، بحث، و نتیجه‌گیری معرفی شده است. سؤالات مطرح‌شده در این بخش به دانشجویان کمک خواهد کرد تا یافته‌های خود را به شکل مناسب و منظم ارائه دهند؛ برای نمونه سؤالاتی از این دست که آیا پرسش‌های تحقیق به روشنی بیان شده است؟ و آیا چگونگی ارتباط منابعی که خواننده‌اید، با این پرسش‌ها کاملاً مشخص شده است؟

و بالاخره، در پایان کتاب، واژه‌نامه‌ای گنجانده شده که به توصیف برخی از واژه‌ها پرداخته است.



همان‌گونه که پیش‌تر مطرح شد، یکی از جذابیت‌های کتاب «روش‌های پژوهش اجتماعی» ارجاعات مکرر نویسنده آن به اینترنت است، چنان‌که این رویه در پایان تمام فصل‌ها رعایت شده است؛ برای نمونه، در پایان فصل چهارم در مورد بررسی منابع و متون، می‌توان با مراجعه به پایگاه اینترنتی ارجاع‌شده، به اطلاعاتی علاوه بر آنچه در کتاب آمده است، دست یافت، که از آن جمله است: سؤالات چندگزینه‌ای برای تمام فصل‌های کتاب، که به خواننده کتاب کمک می‌کند تا به بازاندیشی مفاهیم کتاب بپردازد، و نیز راهنمایی برای چگونگی استفاده از صفحه‌گستر اکسل.

شاید بتوان یکی از کاستی‌های کتاب را این‌گونه برشمرد که تنها به معرفی مباحث بسنده کرده و وارد جزئیات نشده، که البته شاید هم انجام آن امکان‌پذیر نبوده است. همچنین، علی‌رغم جامع بودن کتاب، یکی از کمبودهایی که نگارنده در جریان مطالعه همواره با آن روبه‌رو بوده، عدم اشاره به روش‌های تحقیق مشارکتی است؛ گرچه این روش‌ها در حوزه‌هایی متفاوت به‌کار گرفته شده اما هنوز هم در کتاب‌های جریان اصلی جامعه‌شناسی، کمتر بدانها اشاره می‌شود.

در مجموع، «روش‌های پژوهش اجتماعی» کتابی مناسب است و می‌توان از آن در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد سود جست و برای افراد علاقه‌مند به برگردان متون تخصصی پژوهش نیز سودمند خواهد بود.

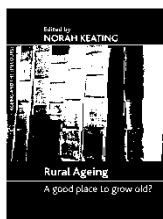
میترا معظمی

#### یادداشت‌ها

- |                         |                |
|-------------------------|----------------|
| 1. Lawrence Neuman      | 2. diary       |
| 3. feminist ethnography | 4. focus group |
| 5. hermenutics          |                |

#### منبع

Neuman, Lawrence (2005), *Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches*. Boston: Allyn and Bacon.



***Rural Ageing: A Good Place to Grow Old?*** / Edited by Norah Keating. Bristol: The Policy Press, 2008, 154 p.

**سالخوردگی در جامعه روستایی: مکانی مناسب برای پیر شدن؟ /**

نویسنده: نورا کیتینگ. بریستول: پالیسی پرس، ۲۰۰۸، ۱۵۴ ص.

بی‌گمان، سالخوردگی جمعیت از مهم‌ترین مسائل قرن بیست و یکم به‌شمار می‌رود. طبق برآوردها، شمار افراد در سنین شصت سال به بالا از ۱۱ درصد کل جمعیت جهان در ۲۰۰۶ به ۲۲ درصد در ۲۰۵۰ خواهد رسید. در آن زمان، نخستین‌بار در تاریخ بشریت، جمعیت سالخورده‌گان بر کودکان فزونی خواهد گرفت. اگرچه جمعیت اروپا، امریکای شمالی و اقیانوسیه سالمندتر از سایر نقاط جهان است، اما کشورهای در حال توسعه نیز روند سالخوردگی جمعیت خود را به‌سرعت پشت سر می‌گذارند.

همواره این احتمال وجود دارد که محیط زندگی سالخورده‌گان (به‌ویژه در مناطق روستایی) به مانعی برای رشد و شکوفایی و نیز سازگاری آنها با تغییرات جسمانی و اجتماعی مرتبط با سالخوردگی بدل شود. زیرساخت‌های ضعیف، فقر، طرد از اجتماع، انزوا، و اوضاع اقلیمی نامناسب از جمله تهدیدهایی هستند که حمایت دائم از سالمندان روستایی را ضروری می‌سازند. کتاب «سالخوردگی در جامعه روستایی...» دربرگیرنده تحلیلی انتقادی از محیط‌های روستایی به‌مثابه مکان شکوفایی سالخورده‌گان است و به شناسایی عوامل طرد سالمندان و نیز چگونگی ارتباط آنها با مکان‌های روستایی و تولید و بازتولید هویت خود در این تعامل می‌پردازد. همچنین، در این کتاب، چگونگی امکان تقویت مشارکت و پیوندهای اجتماعی سالخورده‌گان در اجتماعات روستایی بررسی شده است. نویسندگان به ماهیت متغیر و غالباً پنهان محرومیتی که سالمندان روستایی تجربه می‌کنند، نظر کرده‌اند. جان‌مایه مباحث کتاب عبارت است از اینکه: در بحث سالخوردگی روستاییان، باید تأکید بر ازکارافتادگی جای خود را به تمرکز بر توانمندسازی دهد.

درصدی چشمگیر از جمعیت جهان در نواحی روستایی به سر می‌برند، که از حدود ۲۵ درصد در آمریکای شمالی و جنوبی گرفته تا بیش از ۶۰ درصد در آسیا و آفریقا را شامل می‌شوند. نسبت سالخوردگان جوامع روستایی نیز با سرعتی فراتر از نواحی شهری در حال افزایش است. در بسیاری از نواحی روستایی، با توجه به قائل شدن مزیت برای مقولاتی چون مرد، سفیدپوست، طبقه متوسط، میان‌سال، و سلامت جسمانی، در عمل، سالخوردگان به قشری نامرئی بدل می‌شوند. درک مفهوم روستایی بودن<sup>(۱)</sup> و تعاریف آن از راه‌های گوناگون امکان‌پذیر است. در این زمینه، می‌توان به‌طور خاص، دو رویکرد را مد نظر قرار داد: روستا به‌مثابه مکانی از نوع متمایز، و نیز روستا به‌مثابه شکلی از بازنمایی اجتماعی. رویکرد اول به بررسی مکان‌های روستایی برحسب ویژگی‌های اجتماعی - فضایی آنها می‌پردازد؛ و مؤلفه‌های آن عبارت‌اند از: میزان و تراکم جمعیت روستا و فاصله آن از مراکز بزرگ‌تر (شهری). به‌لحاظ نظری، فقدان پیش‌فرض مشخص در مورد چگونگی ساختارمندی زندگی روستاییان براساس ویژگی‌های جغرافیایی روستاها و نیز توصیف محیط روستایی به‌جای تعریف آن از جمله انتقادهایی است که بدین دیدگاه وارد شده است. در رویکردهای اجتماعی - فرهنگی، روستا به‌مثابه سازه‌ای اجتماعی و بازتاب مجموعه‌ای از نگره‌ها، رفتارها و باورداشت‌ها مد نظر قرار می‌گیرد.

رویکرد انتقادی زیست‌بوم انسانی که در سرتاسر کتاب بدان استناد شده، ادبیات نظری خود را از دو منبع عمده دیدگاه بوم‌شناسی - زیست‌محیطی و دیدگاه موسوم به پیری‌شناسی انتقادی<sup>(۲)</sup> گرفته است. در رویکرد زیست‌بوم انسانی، فرض اصلی بر این است که انسان‌ها نه در انزوا که در تعامل با آن دسته از زمینه‌های اجتماعی و کالبدی به‌سر می‌برند که در آنها زندگی می‌کنند. فرض دوم این رویکرد تغییرپذیری مرز میان محیط‌هاست؛ و بر اساس فرض سوم آن، نباید سالخوردگان را پذیرندگان منفعل محیط زندگی خود دانست، بلکه هم منابع فردی و هم زیست‌محیطی بر میزان عاملیت سالمندان در محیط روستایی اثرگذار است.

محیط روابط بین‌شخصی که شبکه‌ای از اعضای خانواده، دوستان و همسایگان را دربرمی‌گیرد، منبع سرمایه اجتماعی سالخوردگان روستایی تلقی می‌شود، منبعی که علاوه بر فراهم آوردن حمایت و پذیرش برای سالخوردگان، بنیان هویت شخصی و بهزیستی آنها در این مرحله از زندگی است؛ و همچنین، باید از محیط سیاست‌گذاری یاد کرد که به‌مثابه یک محیط کلان اجتماعی شامل ارزش‌ها، برنامه‌ها، هنجارها، قوانین، و خدمات تأثیرگذار بر سالمندان روستایی است.

رویکرد زیست‌بوم انسانی بر دیدگاه پیری‌شناسی انتقادی نیز مبتنی است. این دیدگاه ناظر به تفاوت قدرت در درون جامعه است، که حاشیه‌ای شدن سالخوردگان را در پی دارد؛ و در آن، می‌توان مجموعه‌ای از نظریات را مشاهده کرد، که از آن جمله‌اند: اقتصاد سیاسی، ساخت‌گرایی اجتماعی، فمینیسم و در این اواخر، حقوق بشر. به‌تازگی، این دیدگاه زمینه‌های زیست‌محیطی را نیز دربرگرفته است، زمینه‌هایی که به نابرابری سالخوردگان در عرصه‌های جغرافیایی متفاوت می‌انجامند. حامیان این رهیافت به چالش با پیش‌فرض‌ها و تحلیل‌های سنتی در مورد سالمندان و نگرش مبتنی بر سربار دانستن آنها در جامعه پرداخته و بر توانایی سالخوردگان در انطباق، تغییر و بازسازی محیط زندگی خود تأکید کرده‌اند. تبعیض ناشی از پیری و طراحی ضعیف محیط‌های روستایی، که سالمندان را از دسترسی به خدمات ابتدایی و اساسی محروم می‌کند، از دیگر دغدغه‌های پیروان این دیدگاه است. ترک روستا از سوی نسل‌های جوان‌تر، به از دست رفتن سرمایه اجتماعی افراد می‌انجامد و آنها را در معرض تبعیض بیشتر قرار می‌دهد. انزوای برآمده از سن و دورافتادگی مکانی به‌ویژه بر سالمندانی که بیماری‌های ذهنی و حرکتی دارند، تأثیرگذار است و به تقویت و بازتولید احساس بی‌اعتباری آنها منجر می‌شود.

سالمندان مناطق روستایی با یکدیگر و نیز با سالخوردگان روستایی ساکن در سایر زمینه‌های محیطی تفاوت دارند. باید زمینه‌های محیطی را از نظر تمایزات فرهنگی و فضایی جدای از یکدیگر مطالعه کرد؛ و توجه بدین تفاوت‌ها در درک معنای

سالخوردگی نزد سالمندان روستایی به کار خواهد آمد. سالمندی، به مثابه وجه بنیادین وجود انسانی، نیازمند بازتعریف و جستجوگری دوباره است. در دستورکارهای سیاست‌گذاری اجتماعی، باید بُعد فضایی و مکانی سالخوردگی در جامعه روستایی مد نظر قرار گیرد؛ همچنین، وضعیت خدمات اجتماعی و بهداشتی، مسکن، و زمین‌های کشاورزی این افراد را نمی‌توان و نباید از نظر دور داشت.

کتاب «سالخوردگی در جامعه روستایی» از دوازده فصل تشکیل شده و از سوی گروهی از اساتید دانشگاه و متخصصان مسائل سالخوردگان به نگارش درآمده است. در فصل اول، با عنوان «دیدگاه انتقادی زیست‌بوم انسانی با عطف نظر به سالخوردگی در جامعه روستایی»، پیش‌فرض‌هایی که در مورد وضعیت سالمندان در اجتماعات روستایی وجود دارد، به چالش کشیده شده است. نوع تعامل سالخوردگان با آن دسته از موقعیت‌های روستایی که به تجارب آنها شکل می‌دهند، از دیگر مباحث این فصل است. اجتماعات روستایی دربرگیرنده عناصری گوناگون است که بر شرایط زندگی افراد کهنسال اثر می‌گذارند؛ این عناصر عبارت‌اند از آب و هوا، دوری از شبکه‌های خانوادگی، دسترسی به خدمات، الگوهای مهاجرت، کارآیی اقتصادی اجتماع محلی، و نقش‌ها و روابط مبتنی بر جنسیت، عواملی که در سرتاسر کتاب، آشکارا نویسندگان را به طرح این پرسش رهنمون شده است: «آیا اجتماعات روستایی مکان‌هایی مناسب برای زندگی سالمندان است؟».

«گذر از مرزها: مسیر زندگی، سالمندی در جامعه روستایی و ازکارافتادگی» عنوان فصل دوم کتاب است. چهار سازه مهم مسیر زندگی (به‌مثابه چارچوب مفهومی)، که در کند و کاو سالخوردگی و ازکارافتادگی روستاییان به کار می‌آیند، عبارت‌اند از: ۱- ادغام اجتماعی، که بر مبنای آن، همه سطوح کنش اجتماعی (فرهنگی، نهادی، روان‌شناختی، و زیست‌شناختی اجتماعی) بر یکدیگر اثر می‌گذارند؛ ۲- زمانمندی، که دربرگیرنده ترتیب وقایع زندگی شخص است، وقایعی که دارای ابعاد فردی، گروهی و تاریخی است؛ ۳- عاملیت انسانی، که پیگیری فعالانه اهداف شخصی و نیز احساس فرد در

مورد خویش را شامل می‌شود؛ و ۴- جایگاه زمانی- مکانی، که ناظر بر وجوه عام و خاص جایگاه فرد و تأثیر آن بر تجارب شخصی اوست. با بررسی رابطه ساختار، عاملیت، زمان، مکان، و هویت، می‌توان به بازنگری در مقوله‌های سالخوردگی و ازکارافتادگی در مکان‌های روستایی پرداخت.

فصل سوم کتاب «روستانشینی و سالمندی رضایت‌بخش» نام دارد. در این فصل، مکان‌های روستایی به‌مثابه زمینه زیست‌بومی سالخوردگان مد نظر قرار گرفته‌اند و موقعیت نامناسب زنان روستایی سالمند در قیاس با مردان (از حیث نوع ارتباط با اراضی کشاورزی) بررسی شده است. رابطه ماهیت هر مکان با اجتماعی شدن این زنان و مشارکت آنها در زندگی اجتماعی از دیگر مباحث این فصل است. محیط دارای تأثیری عمیق بر حس این افراد در مورد خود و سالمندی آنهاست. میان جنسیت، نگهداری از نزدیکان، و اجتماع محلی ارتباطی برقرار است که سالمندی مطلوب از نظر زنان روستایی را با آنچه مردان در ذهن دارند، متفاوت می‌سازد. درک نقش مکان به سیاست‌گذاری‌ها در راستای حمایت از کیفیت زندگی زنان سالخورده روستایی سمت و سویی بهتر می‌بخشد.

«تحول در شبکه‌های سالمندان روستایی» عنوان فصل چهارم کتاب است. روابط حمایت‌گرانه، منبع عاطفه، صمیمیت و احساس ارزشمندی شخصی تلقی می‌شود و نقش آن در سلامتی، بهزیستی و انطباق سالمندان روستایی با وقایع مهم زندگی بسیار مهم است. اضطراب، افسردگی، احساس فراموش‌شدگی، و بهداشت نامناسب از پیامدهای فقدان این نوع روابط برای چنین افرادی به‌شمار می‌روند. مرگ والدین، بازنشستگی، از دست دادن شریک زندگی و دوستان نزدیک، و نیز بیماری‌های مزمن از جمله دلایل محرومیت آنها از حمایت اجتماعی و در واقع، محرومیت از شبکه اجتماعی پشتیبان آنهاست. این فصل تغییرات شبکه‌های حمایتی سالمندان روستایی را نیز در طول زمان بررسی می‌کند.

فصل پنجم «فاصله، زندگی شخصی و عدم وابستگی: مراقبت‌های خانگی روستایی» نام دارد. نظام مراقبت خانگی سالمندان روستایی از اعضای خانواده، خویشان، دوستان، همسایگان و احتمالاً پرستاران دستمزدی تشکیل شده است. مراقبت خانگی، به‌ویژه در صورت عدم وجود بیمارستان محلی یا دیگر مراکز درمانی در روستا یا نزدیکی آن و یا نبود امکانات کافی، برای سلامت سالمندان بسیار اهمیت دارد. در این فصل، خدمات حمایتی خانگی از لحاظ کاهش موارد خروج ناگزیر سالمندان از روستا و مراجعه به مراکز درمانی و بیمارستان‌های شهری بررسی شده است. هر چند، در این زمینه، چندان مطالعه نشده و اغلب مطالعات موجود نیز بر جغرافیای طبیعی و اقتصاد ارائه مراقبت‌های خانگی در نواحی روستایی تمرکز داشته است، اما چگونگی تأمین و دریافت خدمات بهداشتی اجتماع‌محور در محیط‌های روستایی نیز از موضوعاتی است که فصل پنجم بدان پرداخته است.

عنوان فصل ششم «تسهیل فعالیت پرستاران روستایی» است. اجتماعات روستایی، برخلاف آنچه از دیرباز تصور می‌شد، کاملاً همگون نیستند. ماهیت بسیاری از محیط‌های روستایی، از جنبه‌هایی چون ارزش‌های خانوادگی و ارتباط با زمین و محل، دستخوش تغییراتی شده است. در این زمینه، نقش حمایت‌های خانوادگی از سالخورده‌گان چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد، که البته دلیل آن به پنداشت‌های متفاوت در مورد حمایت‌گری اجتماع روستایی بازمی‌گردد. در این فصل نیز در ادامه فصل پنجم، نقاط اشتراک مراقبت‌های رسمی و غیررسمی از کهنسالان روستایی بررسی شده است. افرادی که مراقبت و نگهداری از سالمندان روستایی را برعهده می‌گیرند (پرستاران روستایی)، تنها قادرند بخشی از وظیفه مراقبت را به انجام رسانند. این دسته از افراد به یک شبکه حمایتی نیاز دارند و آنچه مکمل فعالیت آنهاست، ظرفیت‌سازی در سطح اجتماع محلی است.

چنانکه در فصل هفتم با عنوان «سالخوردگی، ازکارافتادگی و مشارکت» آمده، نقش مشارکت و ادغام اجتماعی در احساس رضایت از سالمندی و بهبود کیفیت زندگی سالخورده‌گان انکارناپذیر است. ارتقای بهزیستی عاطفی، حس عدم وابستگی، و کاهش نرخ بیماری از نتایجی است که در مطالعات صورت‌گرفته، بدانها اشاره شده است.

در مورد اجتماعات روستایی، پیش فرض غالب بالا بودن میزان فعالیت‌های مشارکتی سالمندان است. تصور بر این است که انجام کارهای داوطلبانه، هم‌جواری با خانواده و دوستان و حمایت متقابل از یکدیگر، و نیز سازمان‌های اجتماعی و هویت‌های روستایی فراگیری که تقویت آن در گرو پیوندهای همیشگی با مردم و محل زندگی آنهاست، بر میزان مشارکت سالمندان روستایی می‌افزاید. در این فصل، این دیدگاه با نگرشی ساختارشکنانه به چالش کشیده شده و وجود تمایز چشمگیر میان مردم و مکان‌های روستایی مورد تأکید نویسندگان قرار گرفته است. آنها با قائل شدن تفاوت میان فرایندهای هنجاری سالخوردگی و تقاضاهای متغیر سالمندانی که از کارافتاده شده‌اند، به چالش در این عرصه پرداخته‌اند که زمینه‌های روستایی تا چه حد برای مشارکت و شمول اجتماعی سالمندان مساعد است؛ همچنین، آنها اجتماع محلی را منبع عمده همکاری، خودیاری و ظرفیت‌سازی برای سالخوردگان شناخته‌اند.

«مشارکت در زمینه‌های روستایی: مسائل مرتبط با اجتماع محلی» عنوان فصل هشتم کتاب است. منابعی که سالمندان برای تأمین نیازهای خود در اختیار دارند، با میزان مشارکت آنها در مسائل محلی و روستایی همبستگی دارد. با این همه، از نظر فراهم‌سازی امکان مشارکت، تفاوت اجتماعات روستایی با یکدیگر چشمگیر است؛ و در این مقوله، طرد سالمندان از منابع مادی و اجتماعی و نیز خدمات، عاملی تعیین‌کننده به‌شمار می‌رود. در این فصل، چگونگی عامل یا مانع بودن مناطق روستایی برای مشارکت اجتماعی سالمندان بررسی شده است. در این بحث، مشارکت اجتماعی به دوسویه بودن انواع مختلف روابط اجتماعی بازمی‌گردد. برخی عوامل تأثیرگذار در چنین مشارکتی عبارت‌اند از: دوری از مراکز شهری، تراکم جمعیت، تغییر میزان جمعیت، تنوع اقتصادی در سطح اجتماع محلی، درصد سالخوردگان جمعیت، نسبت تحصیل‌کردگان جمعیت، و درصد افراد متعلق به گروه‌های اقلیت در روستا.

چنانکه در فصل نهم با عنوان «مسائل مطرح در زمینه رفت و آمد سالمندان روستایی» آمده، باید توانایی دسترسی سالمندان روستایی به امکانات مورد نیازشان را عاملی مهم



در ایفای نقش آنها در اجتماع محلی دانست. کیفیت و کمیت تعاملات اجتماعی، احساس انزوا و تنهایی، ساختار شبکه‌های اجتماعی، و دریافت خدمات از دیگران، که همگی در سلامت و بهزیستی سالخوردگان نقش دارند، از تسهیلاتی که آنها برای رفت و آمد خود از آن بهره می‌گیرند، اثر می‌پذیرند. به باور نویسندگان این فصل، تاکنون در مورد سازوکارهایی که سالمندان روستایی برای برقراری ارتباط با مردم و خدمات به‌کار می‌برند - مانند آمد و رفت، که تسهیل‌کننده ادغام اجتماعی آنهاست - چندان کند و کاو نشده است. آنچه باید در این بحث مد نظر باشد، منابع شخصی (منزلت اقتصادی و اجتماعی فرد)، زمینه مرتبط با اجتماع محلی (مثلاً دورافتادگی روستا)، و دسترسی به خانواده، دوستان و نزدیکان (و در واقع، برخورداری از شبکه اجتماعی گسترده) است.

عنوان فصل دهم «سالخوردگی و طرد اجتماعی در مناطق روستایی» است. در این بحث، بنا به تعریف، طرد اجتماعی فرایندی پویاست که در نتیجه آن، افراد از نظام‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تعیین‌کننده ادغام اجتماعی‌شان کاملاً یا تا حدی کنار گذاشته می‌شوند. این فصل به بررسی علل ساختاری نابرابری در میان افراد و به‌ویژه سالمندان روستایی می‌پردازد و بر بازشناسی تأثیرات انباشتی محرومیت گروه‌های مختلف سالمندان تأکید می‌کند. ارزیابی اثرات طرد اجتماعی بر کیفیت زندگی ساکنان پیر روستا، اذعان به ویژگی‌های متفاوت و ماهیت چندوجهی طرد اجتماعی در میان سالمندان روستایی، و لزوم سیاست‌گذاری‌های روستایی نوین به‌منظور کاستن از شدت این طردشدگی، از موضوعات مهم این فصل به‌شمار می‌رود. اگرچه نمی‌توان همپوشانی دو مفهوم فقر و طرد اجتماعی را از نظر دور داشت، اما «گفتمان طرد» تلقی سنتی و محدود از فقر به‌مثابه فقدان منابع مادی را بسط می‌دهد و بر وجوهی چون مشارکت در روابط اجتماعی هدفمند و دسترسی به خدمات تمرکز می‌کند.

عنوان فصل یازدهم «اجتماعات روستایی حامی سالمندان» است. اخیراً تغییری گفتمانی در زمینه سالخوردگی جمعیت پدید آمده است؛ بدین معنی که اینک به‌جای مسئله‌انگیز دانستن مقوله سالمندی، ایجاد محیط‌هایی که شکوفایی این افراد را امکان‌پذیر سازد، مد نظر قرار گرفته است. سازمان ملل در طرحی بین‌المللی موسوم به

«فعالیت برای سالخوردگان» بر وجود اجتماعات محلی حمایتگر تأکید کرده است. همچنین، سازمان بهداشت جهانی شناسایی تفاوت میان سالمندان، افزایش دربرگیری آنها، احترام به تصمیمات و سبک‌های زندگی سالمندان و پاسخ‌گویی به نیازها و ترجیحات مبتنی بر سن آنها را از مشخصه‌های این‌گونه اجتماعات محلی به‌شمار آورده، که تحقق آن در محیط‌های روستایی، به‌ویژه به‌علت دسترسی کمتر این‌گونه محیط‌ها به منابع در قیاس با شهرها، نیازمند خدمات هماهنگ دولتی و خصوصی است. این فصل، با تقسیم‌بندی اجتماعات روستایی حامی سالمندان به سه نوع محیط طبیعی، انسان‌ساخته، و اجتماعی، به بررسی این اجتماعات می‌پردازد.

عنوان فصل دوازدهم و پایانی نیز «بازنگری در مقولهٔ سالخوردگی روستاییان» است. به‌طورکلی، این کتاب ناظر به بازاندیشی انتقادی در تعاملی است که میان فرایندهای سالخوردگی روستاییان و زمینه‌های زندگی آنها (فضا، مکان، زمان، و انسان‌ها) وجود دارد. در فصل پایانی، با توجه به یافته‌های فصول پیشین، تأکید بر آن بوده است که درک مناسب یا نامناسب بودن محیط‌های روستایی برای رشد و شکوفایی سالمندان، چگونگی مفهوم‌پردازی در مورد جوامع روستایی بسیار اهمیت دارد.

«سالخوردگی در جامعهٔ روستایی» کتابی است که حوزه‌هایی چون اقتصاد و توسعهٔ روستایی، پیری‌شناسی، مطالعات خانواده، جامعه‌شناسی، جغرافیای انسانی، جمعیت‌شناسی، علوم سیاسی، و مطالعات فرهنگی را دربرمی‌گیرد و با طرح دغدغه‌هایی که در متون و پژوهش‌های روستایی کمتر مورد توجه قرار گرفته است، عرصه‌هایی تازه را در مبحث توسعهٔ روستایی پیش روی علاقه‌مندان و دست‌اندرکاران این حوزه می‌گشاید.

از وجوه مختلف، می‌توان به بحث و بررسی پیرامون اهمیت کتاب «سالخوردگی در جامعهٔ روستایی» پرداخت. از دههٔ ۱۹۹۰، با پیدایش مؤلفه‌هایی مرتبط با توسعهٔ اجتماعی مانند سرمایهٔ اجتماعی و همبستگی اجتماعی در ادبیات توسعه، مباحثی چون کیفیت زندگی، شمول و طرد اجتماعی، انزوا، توانمندسازی و شبکهٔ روابط (که در این

کتاب، بدانها پرداخته شده) در محافل دانشگاهی و سیاست‌گذاری مورد توجه قرار گرفته است. با گسترش دیدگاه‌های غیرمادی، چندبعدی و رابطه‌ای به محرومیت، اذعان شد که اوضاع نامساعد اجتماعی می‌تواند مثلاً از طریق سازوکارهای طرد اجتماعی نیز تداوم یابد، و «سن» از عوامل تأثیرگذار بر طرد اجتماعی به‌شمار می‌رود (طالب و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۶۸). در این کتاب، با تمرکز بر سالخورده‌گان روستایی در قالب یکی از گروه‌های هدف در سیاست‌گذاری اجتماعی، از دیدگاهی بسیار مهم همچون «کیفیت زندگی»، به شرایط، نیازها و قابلیت‌های این گروه پرداخته شده است. کیفیت زندگی به قابلیت‌های کارکردی افراد بازمی‌گردد (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸: ۲)؛ و بر مبنای رویکرد قابلیت‌آماری سن، مفاهیمی مانند بودن، تعلق داشتن، و تحقق یافتن را در برمی‌گیرد (همان: ۷)، و در تبیین رفاه و بهزیستی سالخورده‌گان روستایی نقشی بسیار برجسته دارد. در این کتاب، به هر سه بُعد کیفیت زندگی توجه شده است؛ بُعد عینی (تأمین نیازهای اساسی و برخورداری از منابع مادی)، بُعد ذهنی (داشتن استقلال عمل، رضایتمندی، هدفمندی زندگی و رشد شخصی)، و بُعد فرافردی و جمعی (ثبات و پایداری مواردی چون محیط مادی و اجتماعی، منابع اجتماعی، و روابط شبکه‌ای گسترده). همچنین، اهمیت کتاب «سالخورده‌گی در جامعه روستایی» (با توجه به مسائل سالخورده‌گان روستایی در ایران) از آن روست که طبق نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن در ۱۳۸۵، تعداد سالمندان روستایی شصت‌ساله و بالاتر در کشور به ۱۸۴۱۱۰۶ نفر رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). وضعیت بیمه درمانی سالمندان روستایی در مقایسه با هم‌تایان شهری آنها نامناسب است و به‌علت بیمه نبودن، هزینه‌های بیشتری بدان‌ها تحمیل می‌شود. سالمندان روستایی، نسبت به سالخورده‌گان شهری، عموماً از مهارت‌های آموزشی پایین‌تری برخوردارند و اغلب آنها فاقد تحصیلات دبیرستانی‌اند. در میان سالمندان، زنان روستایی از کمترین میزان باسوادی بهره‌مندند. بر اساس آمار اداره سلامت سالمندان (وابسته به وزارت بهداشت)، در ۱۳۸۶، ۱۰/۹ درصد سالمندان روستایی تنها زندگی می‌کنند؛ این رقم در شهرها ۸/۲ درصد است (میرزایی و شمس

قهفرخی، ۱۳۸۶: ۳۲۷). همچنین، بسیاری از خانواده‌هایی که سالمندان روستایی در آنها زندگی می‌کنند، زیر خط فقر قرار دارند. نیاز سالخورده‌گان روستایی به خدمات بهداشتی پیش‌گیرانه و نیز توانبخشی بیش از سایر گروه‌هاست. تأمین نیازمندی‌هایی ساده همچون عینک، سمعک، عصا، و دندان مصنوعی (که معمولاً تحت پوشش خدمات درمانی نیستند و چندان هم مورد توجه قرار نمی‌گیرند)، سالخورده‌گی فعال روستاییان را که عاملی مهم در توسعه قلمداد می‌شود، تسهیل خواهد کرد.

تفاوت‌ها و تبعیض‌هایی که میان نواحی شهری و روستایی کشور وجود دارد، افزایش مشکلات سالمندان روستایی را در پی داشته است. ضعف بخش خدمات و حمل و نقل در روستاها، برخورداری کمتر از خدمات اساسی مانند مراقبت‌های بهداشتی، آب لوله‌کشی، گاز و نیز امکانات تفریحی، ناکافی بودن امکانات ارتباطی نظیر رسانه‌ها، کمبود و یا نبود پزشک سالمندان، و مساعد نبودن شرایط ایجاد خانه‌های سالمندان در نقاط روستایی برای نگهداری از سالخورده‌گان تنها، رها شده و نیازمند مراقبت، شماری از این تفاوت‌هاست. فقدان مفهوم پردازی کل‌گرایانه و نیز رویکردهای چندنهادی و مشارکتی در زمینه توسعه روستایی نقشی مهم در پیدایی و پایایی این وضعیت داشته است (هال و میجلی، ۱۳۸۸: ۱۴۶). در ایران، اگرچه نهادهایی چون کمیته امداد، بنیاد شهید، بنیاد مستضعفان و جانبازان، سازمان بهزیستی، و سازمان تأمین اجتماعی، با برنامه‌هایی از قبیل طرح شهید رجایی، طرح مددجویی، توانبخشی، حمایت از خانواده شهدای روستایی، حمایت از بیمه‌شدگان آسیب‌دیده و مستمری‌بگیران روستایی، و طرح‌های متمرکز بر ازکارافتادگان و بازماندگان روستایی، در تلاش‌اند سالمندان روستایی را تحت پوشش قرار دهند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۶: ۲۰۵)، اما سازمانی مشخص که به‌ویژه در ارتباط با ازکارافتادگی، به ارائه برنامه‌های خدماتی و حمایتی پردازد، وجود ندارد. شاید بتوان ادغام این سازمان‌ها را به عنوان راهکاری برای افزایش کارایی آنها و بهبود وضعیت سالخورده‌گان مد نظر قرار داد.

## یادداشت‌ها

1. rurality

2. critical gerontology

## منابع

- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۶)، *توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران*. تهران: نی.
- طالب، مهدی، فیروزآبادی، احمد، ایمانی جاجرمی، حسین و صادقی، علیرضا (۱۳۸۷)، «بررسی گروه‌های هدف در تبلیغات هشتمین انتخابات مجلس شورای اسلامی». *مجله جامعه‌شناسی ایران*. دوره ۹، شماره ۱ و ۲، صص. ۱۶۵-۱۸۳.
- غفاری، غلامرضا و امیدی، رضا (۱۳۸۸)، *کیفیت زندگی؛ شاخص توسعه اجتماعی*. تهران: شیرازه.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، *نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن کل کشور*. تهران: مرکز آمار ایران.
- میرزایی، محمد و شمس قهفرخی، مهری (۱۳۸۶)، «جمعیت‌شناسی سالمندان در ایران براساس سرشماری‌های ۱۳۸۵-۱۳۳۵». *مجله سالمند*. سال ۲، شماره ۵، صص. ۳۲۶-۳۳۱.
- هال، آنتونی و میجلی، جیمز (۱۳۸۸)، *سیاست اجتماعی و توسعه*. ترجمه مهدی ابراهیمی و علیرضا صادقی. تهران: جامعه‌شناسان.

مهدی ابراهیمی \*